



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۵/۲۵

سید عظیم حسینی

درنگی بر مشکلات تجارت خارجی افغانستان از منظر تاریخی قسمت سوم

اگرچه شرکت اسهامی افغان در اواخر ۱۳۰۹ (۱۹۳۰) تاسیس گردید اما در بدو تشکیل، قوه مالی آن بقدری محدود و کوچک بود که تا مدت سه سال در زمینه تجارت مصدر هیچگونه اقدام مهمی شده نتوانست و فعالیت آن منحصر امور صرافی و خرید نقره و تهیه اسعار برای حکومت گردید. در سنه ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) تغییرات عمده در وظایف و ارکان این موسسه روی داد، از یکطرف عده از تجار مملکت در سرمایه و اداره امور آن شرکت نمودند و از طرف دیگر دولت با اعطای امتیازات مهمی بآن معاونت کرد تا شرکت قادر به انجام فعالیت های بیشتر گردد، و به تناسب امتیازات و وظایفی مهمی نیز بدوش آن گذاشت. افراد کلیدی انجام چنین مسئولیت بزرگ که شامل فعالیت های مالی، تجارتی و صنعتی میشد، شخص عبدالمجید زابلی، عبدالخالق، سیدکریم مختارزاده هراتی، محمد عمر کابلی، موسی قندهاری و تعدادی از تاجران دیگر بودند. یکی از این وظایف که در واقع مهمترین و دشوارترین آن بشمار میرفت اصلاح اوضاع تجارت صادراتی بود، زیرا درین موقع تجارت افغانستان در اثر اغتشاش ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) به انتها درجه انحطاط رسیده، تجار داخلی از بی اعتمادی و کم جرئتی (که نتیجه اختلال امنیت است) دست به معاملات مهم نمی زدند و سرمایه داران خارجی از موقع استفاده نموده بازار تجارت و امور صرافی را بکلی استیلا نموده بودند و بدیهی است که در معاملات ایشان مفاد

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

اجتماعی و ارتقاء سرمایه ملی افغانستان قطعاً ملاحظه نمی شد، چنانچه نمایندگان کمپنی های خارجه بطور آزاد و دلخواه در امور تجارت صادراتی و وارداتی ما حاکم بودند و اقلام صادراتی را بهر قیمتی که میخواستند خریداری و واردات را قسمیکه خواهش شان بود می فروختند در نتیجه مفاد این تجارت کاملاً به جیب آنها سرازیر میشد و به تجار افغانی جز یک فایده جزیی (به اصطلاح از گاو غود) نمیرسید. اسناد بانک ملی و یادداشتهای عبدالمجید زابلی - وحید مزده



ایجاد مرکز جدید تجارتی و حرفوی دردو طرف دریای کابل درین دوره

برغم دشواری ها، نا رسائی ها و عدم تجارب کاری جهت مدیریت تمام سکتورهای اقتصاد که در افغانستان کاملاً یک پدیده ای نا شناخته و نو بود، بآنهم در دوره ای کاری عبدالمجید خان زابلی منحیث طراح برنامه انکشاف اقتصادی کشور، که رهبری وزارت اقتصاد و هیأت مدیره شرکت سهامی افغان را نیز عهده دار بود، تحولاتی چندی در سطح ملی بوقوع پیوست. وضع تجارت و اقتصاد کشور درین دوره بسوی ثبات نسبی و انتظام بیش از پیش در حرکت بود و مشخصات ذیل، این دوره را از دوره های ماقبل متمایز میساخت:

- استقرار ثبات و امنیت عمومی در کشور از لحاظ اجتماعی، سیاسی و نظامی.

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

- اتخاذ تدابیر هدفمند در جهت انکشاف تجارت و ایجاد صنایع از طریق تشویق سرمایه گذاری ها منجانب رهبری وزارت اقتصاد ملی تحت نظر عبدالمجید زابلی و رئیس بانک ملی با همکاری سکتور خصوصی.
- اعطای امتیازات فوق العاده و استثنائی برای سکتور خصوصی از جانب دولت با طرح خواست های متقابل دولت از سکتور خصوصی.
- تشکل بهتر سکتور خصوصی افغانستان از طریق ایجاد شرکتها با اهداف مشخص.
- سوق و توجیه سرمایه سکتور خصوصی بطرف سرمایه گذاری های صنعتی و ایجاد شرکتهای صنعتی در بخشهای مختلف تولیدات صنعتی.
- ایجاد نظام بانکی در کشور و تأسیس اولین بانک (بانک ملی افغان) جهت انجام و ارائه خدمات بانکی.
- تعیین اهداف مشخص در جهت انتظام هدفمند اقتصاد و رشد تجارت صادراتی.
- فراهم آوری شرایط جهت توسعه امکانات تجارت از طریق وبه همکاری بانک ملی افغان.
- تشویق و ترغیب شرکت هادرجهت سعی و تلاش برای انکشاف صادرات منحیث اولویت کاری و نظارت از آنها.
- توسعه امکانات و فراهم آوری تسهیلات بیشتر از طریق انجام تلاشها در راستای ایجاد و تقویت چشمه های صادراتی کشور.
- بازاریابی های هدفمند و تشدیددی توسط خود افغانها و نمایندگیهای بانک ملی در خارج بمنظور بهبود و توسعه صادرات و فرامرزی شدن هرچه بیشتر صادرات. از نتایج حاصله این دوره معلوم میگردد که علیرغم یکتعداد نظریات موافق و مخالف، تدابیر اتخاذ شده و اقدامات انجام شده توسط عبدالمجید زابلی که محمد نادرشاه و برادرش محمد هاشم حامیان اصلی وی در بدنه ی دولت بشمار میرفتند، در رونق اقتصادی

وتجارتی کشور در درازمدت مؤثر واقع شد. در همین دوره بود که اساس صنایع خفیفه گذاشته شد و در تجارت افغانستان بخصوص تجارت خارجی تکانه جدید وارد گردیده دروازه های کشورهای جدید وجدیدتر بر روی افغانستان باز شد. دست آورد های بزرگ این دوره تاسیس بانک ملی و متعاقب آن ایجاد دافغانستان بانک میباشد که باعث بنیاد گذاشتن و تقویت نظام مالی و کرایدی در افغانستان شد. توسعه معاملات تجارتي (صادرات و واردات) بطور مستقیم با کشورهای غربی منجمله انگلستان، جرمنی، امریکا و غیره، از اقدامات تاریخی و فراموش ناشدنی این دوره بشمار میرود.

اهمیت بارز این دوره در شوروشعف و تحرکی که از جانب سکتور خصوصی بمیان آمده بود نرفته است. پس از این دوره چنین تحرکی بار دیگر تا به حال در تاریخ تجارت افغانستان سراغ نشده است. هرگاه راهکارهای انجام شده دولت درین دوره از بُعد اقتصادی به ارزیابی گرفته شود، میتوان گفت که رویهمرفته اقدامات متذکره در آغاز مرحله بی پیشینه بود، زیرا بیشتر انکشاف اقتصادی سکتور خصوصی و توسعه مناسبات سرمایه داری را تا اندازه هموار کرد و تغییراتی ابتدائی در رشد زراعت و باغداری، مالداري، ایجاد اساسات پروسس و تولیدات صنعتی، ایجاد سیستم بانکی و کرایدی، فراهم آوری تسهیلات تجارتي و توسعه صادرات را بوجود آورد که در نتیجه باعث اشتغال زائی قسمی، بوجود آمدن رشته های جدید تخنیکي و صنعتی و تشکل کتله های کارگری در کشور شد و هم سرمایه تجاری به طرف سرمایه گذاری صنعتی توجیه و تا اندازه زیادی سرمایه خصوصی تشویق گردید تا موازی با تجارت انفرادی در بخش صنعت و تجارت بشکل شرکتی سهم بگیرند. در نتیجه این اقدامات در سال ۱۳۲۵ (۱۹۴۶) دولت افغانستان برای نخستین بار در تاریخ کشور قادر به تولید و پاک کاری ده هزار تن پنبه گردید. اما یکتعداد از مؤرخین اقدامات و تحولات اقتصادی این دوره را که در تبانی با حکمرانان دربار صورت گرفت به دیده شک و تردید نگریسته و آنرا دامن زدن به فقر و بدبختی جامعه می پندارند اما بهر حال نباید فراموش کرد که برغم موجودیت جهات منفی، اقدامات فوق دارای جوانب مثبت نیز

بود. به نظر شخص عبدالمجید زابلی بنیان گذار سیستم نوین اقتصادی در کشور، حکومت بعد از محمد هاشم خان صدراعظم (منظور آقای زابلی بطور مشخص از شاه محمود خان و بعداً محمد دادود خان است، اما صدراعظم های دوره های بعدی نیز مطمح نظر بوده، زیرا آنها نیز کدام اقدام مشخص و شجاعانه در زمینه تجدید حیات سکتور خصوصی انجام ندادند.) نویسنده این سطور در رابطه به حفظ و تداوم اقدامات انجام شده روحیه مساعد نشان نداده و قبل از آنکه به پختگی و مثمریت کامل برسد، شرایط زوال آنرا میسر ساختند و اعتمادی که بین دولت و سکتور خصوصی ایجاد گردیده بود بتدریج از بین رفت. عبدالمجید زابلی در یادداشت‌های خویش چنین نگاشته است: "ناکامی ما در اینست که دولت از انکشاف صنعتی کشور از طریق سرمایه گذاری خصوصی در افغانستان جلوگیری کرد و خود نیز به علت ضعف اداری نتوانست در راه انکشاف اقتصاد ملی گام مهمی به جلو بردارد. به علت فقدان تجربه قادر نگردید تا در بخشهای بجا و به مورد سرمایه گذاری نماید و یا مانند کشور های که در آن اقتصاد پلان مرکزی رایج است پروژه های زود ثمر را روی دست گیرد." (یادداشت‌های عبدالمجید زابلی - وحید مزده) این نظر مرحوم زابلی کاملاً محق و بجاست زیرا با وضع محدودیت ها بر فعالیت اقتصادی سکتور خصوصی، انگیزه ای این سکتور را در تعمیم سرمایه گذاری که با شوق و آینده نگری برانگیخته شده بود، در نطفه خاموش ساختند و چنین وضع در تحولات آتی کشور تأثیرات منفی عمیقی را بجا گذاشت.

حقیقت پنهان و پشت پرده هر چه بوده باشد، یک موضوع روشن است که با آمدن حکومت جدید، (دوره صدارت شاه محمود خان) روابط "حسنه" قبلی میان دولت و سکتور خصوصی به چالش کشیده شد به حدی که در سال ۱۳۲۷ با اساس پیشنهاد وزارت اقتصاد ملی، جهت تامین روابط جدید و نوعی مصالحه بین دولت و سکتور خصوصی، تنظیم و هماهنگی بهتر امور ارگانهای دولتی و سکتور خصوصی که هدف آن ارتقای سطح اقتصاد کشور بود، شورای عالی نظارت تحت ریاست وزیر اقتصاد ملی و عضویت وزرای امور خارجه، مالیه، معارف، فواید عامه، معین اول وزارت اقتصاد ملی، کفیل دافغانستان بانک، کفیل بانک ملی، معاون تجارتي بانک ملی، رئیس اتاق تجارت وزارت اقتصاد ملی، مدیر عمومی

تجارتی بانک ملی و کفیل شرکت نساجی منظور شد. شورای عالی نظاروظیفه گرفت تا پروگرامهای انکشاف اقتصادی دقیق راطرح وترتیب نموده وتصامیم لازم را در زمینه اتخاذ نمایند، اما این تصمیم زمانی اتخاذ شد که تیر ازکمان رها گردیده وسکتور خصوصی اعتماد بالای حکومت را از دست داده بود بناً تدابیر فوق به نتایج مثبت منتج نشد و وضع پریشان اقتصادی آشفته تر گردید تا اینکه باعث سقوط خود حکومت شد وبا رویکار آمدن محمد داودخان بحیث صدراعظم، دوره جدید با تلاشها و راهکارهای متفاوت تر عرض وجود نمود. طوریکه گفته آمد قبل از انتصاب محمد داود به حیث صدراعظم، بنابر تغییر سیاستهای حکومت در قبال همکاری با سکتور خصوصی وعدم توانائی حکومت در مدیریت بحران سیاسی- اقتصادی آنزمان، اوضاع اقتصادی کشور از ثبات لازم برخوردار نبود که این خود لزوم تغییرات را در سیاست های اقتصادی کشور بوجود آورده بود. نظام نیم بند اقتصادی نوبنیاد قبلی هنوز کاملاً به ثمر نرسیده وجایگاه خویش را در جامعه تثبیت نه نموده بود که به انقطاع وگسست مواجه شدو با اکراه واجبار ورشکسته شد. در حلقه ای رهبری دولت وحکومت، سکتور خصوصی از "دوست نازدانه" به "دشمن غیر قابل تحمل" مبدل گشت و با چنین توهم، شالوده تمهیداتی که در جهت توسعه وگسترش تجارت خارجی بخصوص از دیاد صادرات اتخاذ گردیده بود، برهم خورده وقبل از اینکه در منابع وچشمه های صادراتی تغییرات کمی وکیفی وبا ثبات رخ داده باشد، معروض به انهزام شد که عواقب بدی برای مردم وکشور به ارمغان آورد. هرگاه منافع ملی برخواست های شخصی رجحان داده میشد وزیربنای حقوقی مستحکم ایجاد ونظم بوجود آمده به یک سیستم تمام عیار اقتصادی مبدل و قانونمند میگردد ممکن بود مشکلاتی که بعداً دامنگیر بخش اقتصادی کشور شد در آتیه کمتر میبود و راه رشدوانکشاف اقتصادی وبخصوص توسعه صادرات از طریق بکار گیری سرمایه خصوصی در کنار سکتور دولتی با شتاب ووسعت بیشتر استمرار می یافت اما با تأسف چنین نشد.

د پانډو شمېره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ